

شبکه‌های اجتماعی مجازی و امنیت عمومی

اصحاب حبیب‌زاده^۱، روح‌الله بخشی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش بسیار مهمی در ارابه و اجرای برنامه‌های سیاسی، امنیتی، مذهبی و بسترسازی افکار عمومی برای تأمین امنیت عمومی ایفا می‌کنند که از این جهت حائز اهمیت هستند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتقاء امنیت عمومی شهر قم صورت گرفته است.

روش: این پژوهش به صورت توصیفی^۳ تحلیلی از نوع پیمایش انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه کاربران است که در شهر قم از شبکه‌های اجتماعی مذهبی استفاده می‌کردند. به دلیل بزرگی جامعه، براساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی سهمیه‌ای انتخاب شدند.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های تحلیلی پژوهش از دیدگاه کاربران بیانگر وجود رابطه معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین متغیرهای مورد مطالعه در ارتقاء امنیت عمومی شهر قم هستند. ارتباطات تعاملی کاربران اعم از ایجاد تعامل و گفتگوی دو سویه، مشارکت‌های اجتماعی فعالانه برای تبادل نظر و همکاری‌های دوجانبه با پلیس صورت بگیرد، شاخص تأثیرگذاری در ارتقاء و توسعه امنیت عمومی است. همچنین، کاربران با اشتراک علاقه‌مندی‌ها و خواسته‌های مرتبط با امنیت عمومی و با انتقاد و ارزیابی از نحوه فعالیت پلیس و اعلام نظرات (سازنده و آزاد) به واسطه ناشناس بودن تعامل کنندگان در شبکه‌های اجتماعی مذهبی می‌توانند در ارتقاء امنیت عمومی نقش آفرینی کنند، کاربران معتقدند که گرایش‌های مذهبی متغیر تأثیرگذار دیگری در ارتقاء امنیت عمومی است و تعامل کنندگان با شیوه‌های عمل خود در شبکه‌های مزبور اعم از نحوه جذب و جمع‌آوری اطلاعات، نظارت بر نوع محتوای تولید شده و دسته‌بندی اطلاعات برای ارائه به پلیس می‌توانند در ارتقاء امنیت عمومی مشارکت کنند. در شبکه‌های اجتماعی مذهبی نوعی هم‌پیوندی اجتماعی در بین کاربران ایجاد شده به طوری که کاربران با راه‌اندازی اجتماعات برخط در شبکه‌های مذهبی در تعامل و همسو با فعالیت‌های پلیس و با توجه به ویژگی بسیج‌کنندگی و هم‌افزایی شبکه‌های اجتماعی، احساس وابستگی و تعامل درون‌گروهی خود را با پلیس در شبکه‌های اجتماعی مذهبی افزایش داده و این رویکرد می‌تواند در ارتقاء امنیت عمومی مؤثر و مفید باشد، از سوی دیگر مطرح شدن مسائل مدنی افراد جامعه در شبکه‌های اجتماعی مجازی اعم از موضوعات فرهنگی، مصالح و مطالبات عمومی، حقوق شهروندان مرتبط با امنیت و مسایل اجتماعی قبل از بحران‌زا و امنیتی شدن آنها در شبکه‌های اجتماعی مجازی متغیر تأثیرگذار دیگری در ارتقاء امنیت عمومی است.

کلیدواژه‌ها

شبکه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی مذهبی، امنیت عمومی، فضای مجازی، کاربران

^۱ دانشجویار علوم ارتباطات دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) رایانامه: ertabat1388@yahoo.c

^۲ کارشناس ارشد اطلاعات و امنیت عمومی

مقدمه

امروزه عوامل بسیاری بر امنیت عمومی اثرگذار هستند که از بین آنها می‌توان به شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد. فناوری‌های جدید رسانه‌ای با کارکردها و نقش‌های ویژه‌ای که دارند اثرات غیرقابل انکاری بر مفهوم امنیت عمومی گذاشته و تا میزان زیادی در ساخت اجتماعی این نیاز اولیه بشر دخیل هستند به دلیل قابلیت‌های فراوان رسانه‌ها نظیر کنترل اخبار و مراقبت از محیط، جامعه‌پذیری سیاسی و اجتماعی، ایجاد همبستگی بین اجزا گوناگون جامعه، انتقال میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر و وظیفه اخلاقی حمایت از هنجارهای اجتماعی رسانه‌ها در پی خلق شرایطی هستند که در آن، فرد و گروه‌های اجتماعی بدون ترس از دست دادن و یا آسیب رسیدن به جان، مال یا آبروی خود به زندگی در شرایط امن ادامه دهند (صادقیان، ۱۳۸۸).

در این میان شبکه‌های اجتماعی (به‌طور ویژه شبکه‌های اجتماعی مذهبی) نیز عامل کلیدی انتشار و تسهیم اطلاعات در نظام‌های اجتماعی هستند و به‌عنوان عامل اجتماعی، تأثیر قدرتمندی بر رفتار و هنجارهای اجتماعی دارند. شبکه‌های اجتماعی مذهبی، می‌توانند مردم را با انواع خطراتی که امنیت عمومی را تهدید می‌کنند آشنا سازند، مراقبت‌های لازم را به آن‌ها بیاموزند و افراد را برای حفظ و تأمین امنیت ترغیب و راهنمایی کنند.

این در حالی است که برخی معتقدند که رسانه‌ها تأثیر معناداری بر تصویر کلی جرم در جامعه دارند. گستره این تأثیر تا آنجا است که می‌توان گفت انگاره‌هایی که بر آگاهی عموم مردم درباره جرم سایه افکنده است، به‌طور عمده محصول رسانه‌هاست (فرجیها، ۱۳۸۵).

گونه‌های مختلف رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مذهبی با عبور از دو عامل محدودکننده زمان و مکان، امکان کنترل جامعه را که ممکن است با سازوکارهای معمول قدرت دشوار باشد، با اقدام و کنترل از راه دور فراهم نموده‌اند به‌طوری که شاید سخنی

گزارف نباشد که ادعا شود بخشی از عملیات کنترل و نظم و امنیت عمومی در اتاق‌های خبر و در روی میز کار رسانه‌ها شکل می‌گیرد.

به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی مذهبی با ارایه عملکردهای مثبت و سازنده از جمله انتشار اطلاعات در فضای مجازی (به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات گوناگون مذهبی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی)، آموزش قوانین و مقررات به مردم از طریق بخش‌های مختلف آن، ترویج فرهنگ احترام به قانون و حفظ حقوق شهروندان، معرفی نهادهای متولی تولید امنیت عمومی در جامعه، ترویج کنترل اجتماعی و مشارکت مدنی در پیشگیری از وقوع جرم و افزایش امنیت جامعه، آموزش سازوکارهای دفاع اجتماعی و پیشگیری از بزه‌دیدگی، آموزش مهارت‌های زندگی و راهبردهای حل مسئله می‌توانند در توسعه و ارتقاء امنیت عمومی در جامعه مفید باشند.

هرچند جرم‌شناسان نیز نقش رسانه‌ها را زیرمجموعه عوامل اجتماعی یا محیط انتخابی یا اتفاقی جرم بررسی کرده و بر نقش‌های دوگانه آن در وقوع جرم یا پیشگیری از آن تاکید دارند (حبیب‌زاده ملکی و همکاران، ۱۳۸۸). از طرف دیگر شبکه‌های اجتماعی مذهبی نقش بسیار مهمی در ارایه و اجرای برنامه‌های سیاسی - امنیتی و مذهبی و بسترسازی افکار عمومی و تأمین امنیت عمومی ایفا می‌کنند. آن چه مسلم است، شبکه‌ها با توجه به توسعه کمی و کیفی که یافته‌اند در عمل می‌توانند هم فرصت و هم تهدیدی برای دوام و قوام امنیت عمومی باشند. آنچه در این پژوهش مدنظر نگارندگان است آن بخش از ویژگی‌ها و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مذهبی است که می‌توانند تأثیر شگرفی بر افکار و عقاید عمومی در راستای ارتقاء و توسعه امنیت عمومی داشته باشند و به‌نوعی پلیس را در تولید و بازتولید امنیت عمومی در جامعه مدد‌رسانی کنند. شبکه‌های اجتماعی مذهبی در واقع شکل‌دهنده افکار عمومی و به‌عنوان شبکه ارتباطات واسط (پشتیبان) منعکس‌کننده آن در جامعه هستند.

نقش مثبت و سازنده شبکه‌ها، آن‌ها را به‌عنوان اثرگذارترین عامل نظم و انسجام اجتماعی در جامعه (مجازی و واقعی)، تولید امنیت عمومی، وفاق ملی، افزایش سطح اعتماد و همبستگی و مشارکت مدنی در بین نهادهای مختلف مبدل کرده است. بر همین اساس، شبکه‌ها با پوشش خبری و اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی مردم از وقایع امنیتی و جنایی به شیوه‌های مطلوب و ارایه برنامه‌های آموزشی مطلوب در خصوص ضرورت امنیت عمومی در جامعه و حتی آموزش چگونگی حفاظت از مال و جان و ناموس افراد، زمینه مساعدی را برای این همکاری و مشارکت مردمی به‌وجود می‌آورند.

پژوهش حاضر به‌دنبال بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مذهبی در فرایند تأمین و ارتقاء امنیت عمومی شهر قم است. از این رو سه مفهوم شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های مذهبی و پلیس در این باره اهمیت می‌یابد. شبکه‌های اجتماعی (به‌سبب ویژگی‌هایی چون: گمنامی، تعاملی بودن، ناشناس بودن تعامل‌کنندگان در زمان ارتباط و قابل کنترل نبودن، فعال بودن کاربران در تولید محتوی به‌ویژه تولید محتوای مذهبی در شبکه‌های اجتماعی مذهبی) می‌توانند به‌عنوان یک مؤلفه مهم و محوری در ارتقاء و توسعه امنیت عمومی مورد مطالعه قرار بگیرند همان‌طور که مطالعات جدید در خصوص شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی در تمامی حوزه‌های زندگی اجتماعی از خوردن یک فنجان چای تا مهم‌ترین موضوعات سیاسی - امنیتی فعال و اثرگذارند. از اثرگذاری بر انقلاب‌های کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (شهابی، ۱۳۸۹) و نامیده شدن این انقلاب‌ها با عنوان انقلاب‌های فیس‌بوکی و توئیتری (آقایی و صادقی و هادی، ۱۳۹۱) تا اثرگذاری آن بر ناآرامی‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ (خلقتی، ۱۳۸۹) و شورش‌های شهر لندن. به‌طور کلی یافته‌ها در خصوص اهمیت شبکه‌های اجتماعی در ابعاد گوناگون به‌ویژه سیاسی نشان می‌دهد که، رشد شبکه‌های اجتماعی عامل پیوستگی و حضور مردم در صحنه‌های سیاسی است. بنابراین به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی مذهبی با توجه به کارکردها و ویژگی‌هایی که دارند می‌توانند پلیس را در مدیریت و ارتقاء امنیت

عمومی در جامعه یاری رسانند. نگارنده در این پژوهش به دنبال یافتن راه کارهایی به مدد شبکه‌های اجتماعی مذهبی است که بتوان با اتکا به آنها نه فقط روابط پلیس با سایر شبکه‌های اجتماعی (مذهبی) را قوی‌تر کرد، که در نتیجه امنیت عمومی را افزایش داد. بنابراین این پژوهش ناگزیر از پاسخ به چند دسته از پرسش‌هاست. برای نمونه شبکه اجتماعی مذهبی چیست و ویژگی‌های آن کدام است؟ چرا ارتباطات پلیس به عنوان یکی از مبادی تأمین امنیت عمومی با شبکه‌های اجتماعی مذهبی اهمیت دارد؟ و چه ارتباطی میان تأمین و ارتقاء امنیت عمومی از سوی پلیس به مدد شبکه‌های اجتماعی مذهبی وجود دارد؟ بدین ترتیب مسئله اساسی این پژوهش با توجه به رشد شتابان شبکه‌های اجتماعی و وضعیت پلیس، پاسخ‌گویی به برخی پرسش‌هاست. برای نمونه امنیت عمومی در شبکه‌های اجتماعی مذهبی، چگونه تعریف می‌شوند؟ محتوای تولیدشده در شبکه‌های اجتماعی مذهبی می‌توانند عوامل فرصت‌سازی برای ارتقاء امنیت عمومی باشند؟ امنیت عمومی در شبکه‌های اجتماعی مذهبی چه رابطه‌ای با پلیس دارد؟ شبکه‌های اجتماعی چیست، چگونه شکل می‌گیرند و دوام می‌یابند و چه ویژگی‌هایی دارند؟ پلیس چگونه می‌تواند با استفاده از شبکه‌های اجتماعی مذهبی، امنیت عمومی را ارتقاء بخشد؟

پیشینه و چارچوب نظری پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های زیادی در مورد رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی صورت گرفته است. نگارنده با جستجو در اینترنت به این نتیجه رسید که پژوهش‌های مرتبط با نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در امنیت عمومی کمتر صورت گرفته است. بنابراین پژوهش حاضر که مربوط به نقش شبکه‌های اجتماعی مذهبی در امنیت عمومی شهر قم است جز معدود پژوهش‌هایی است که محقق قصد دارد در این پژوهش به آن پردازد و در زیر نیز به پژوهش‌هایی که از لحاظ موضوعی با این تحقیق ارتباط دارند اشاره می‌شود. ابری (۱۳۸۷) نقش مثبت فضای مجازی را در عرصه ظهور خلاقیت مورد تأکید قرار داده است، زیرا فناوری دیجیتال و جامعه‌ی شبکه‌ای، افراد را به سوی زندگی ای

سوق داده است که در آن می‌توانند با اتخاذ نقشی فعال و خلاق، به صورت فردی یا جمعی در ساختن چیزی جدید سهیم باشند، در فرایند هم‌آفرینی شرکت کنند و به خودیابی خویشتن کمک کنند. کیفیت آزادی بخشی اینترنت، کاربران اینترنتی را دعوت می‌کند تا به تفکر، تجربه، بازی، فعالیت‌های گروهی و ارتباط پردازند. اینترنت همواره محیطی را خلق کرده است که همگان می‌توانند با تکیه بر توانایی‌ها و استعدادها خود دست به ابداع و خلاقیت بزنند. از میان رفتن محدودیت مکان، زمان، نبود کنترل و انتقاد، ناشناس ماندن، امکان خیال پردازی و تنوع گوناگون محیط‌های اینترنتی فرصت مناسبی را برای بروز خلاقیت فراهم می‌کند. قاسمی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش رسانه‌ها در ایجاد همگرایی ملی و امنیت پایدار (با تأکید بر همگرایی مرزنشینان استان آذربایجان غربی)» بیان کرده است که رسانه‌های جمعی، نقشی دوگانه در خصوص جوامع دارند؛ از طرفی با دستکاری و تحریک به تغییر و تهدید بافت اجتماعی یک جامعه مبادرت می‌ورزند و نابسامانی‌های اجتماعی را دامن می‌زنند و از طرفی دیگر می‌توانند با مدیریت صحیح از ایجاد شکاف‌های اجتماعی جلوگیری کنند. استان آذربایجان غربی به علت داشتن مرز مشترک با سه کشور جمهوری نخجوان، ترکیه و عراق آماج بیشترین تأثیرات رسانه‌ای است. این جاست که نیاز به رسانه‌های داخلی برای بالابردن امنیت مرزها، کنترل و مدیریت محیط، جامعه‌پذیری سیاسی و اجتماعی، ایجاد همبستگی بین اجزای گوناگون جامعه، همگرایی ملی، حمایت از هنجارهای اجتماعی و ... احساس می‌شود. رسانه‌های جمعی در فرآیند تداخل ضروریات اجتماعی و فرهنگی که از شتابزدگی تاریخ در عصر ما سرچشمه می‌گیرد، می‌توانند نقش سازنده داشته باشند. آنها می‌توانند از طریق تحکیم و تعمیق پیوندهای مذهبی، ملی، فرهنگی و تاریخی به تشدید توسعه و همبستگی‌های اجتماعی پردازند. روشن است که در یک نظام هماهنگ رسانه‌ای، انسجام و پایداری توسعه و در نتیجه ایجاد همگرایی ملی و امنیت پایدار و تقویت امنیت اجتماعی مدنظر است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تلویزیون در ایجاد همگرایی (۴ عامل «جامعه‌پذیری»،

«تقویت همبستگی و جلوگیری از واگرایی»، «تقویت ارزش‌های ملی» و «تقویت ارزش‌های اسلامی»، رادیو فقط بر ۲ عامل «تقویت ارزش‌های ملی» و «تقویت ارزش‌های اسلامی» اثر معنی‌داری دارند و مطبوعات بر هیچ‌یک از این عوامل اثر معنی‌داری ندارند. بیشترین تأثیر رسانه‌ها در این زمینه، بر مرزنشینان شهر سلماس و کمترین تأثیر بر مرزنشینان شهر پیرانشهر بوده است. از بین برنامه‌های مختلف رسانه‌ای «تهیه و پخش فیلم‌ها و سریال‌های پلیسی» و «پخش گزارش‌های خبری از قبیل حوادث مرزی و ...» بیشترین تأثیر را داشته‌اند. نیری (۱۳۸۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با نام شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و مشارکت سیاسی، تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر مشارکت سیاسی کاربران در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در ایران را مورد بررسی قرار داده است. او در این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که شرکت تعداد زیادی از افراد به‌ویژه جوانان و نوجوانان در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری تا حد زیادی متأثر از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی مانند فیس‌بوک و توئیتر بوده است. استادحسین و دلیلی (۱۳۸۹) معتقداند که تمایل کاربران به حضور در شبکه‌های اجتماعی و به اشتراک نهادن اطلاعات موجب شده تا بازاریابی‌های حوزه‌ی فناوری‌های مجازی به دنبال کسب منافع از این فرصت نو ظهور باشند. تبادل اطلاعات در این شبکه‌ها آن قدر وسیع و فعالیت در این حوزه آنچنان جذاب است که سازمان‌ها و دستگاه‌های اطلاعاتی فعالیت در آن را آمیخته با سر فصل‌های اقتصادی-اجتماعی نمودند و با ارائه‌ی خدمات و فضاهای رایگان، کاربران را در اقصی نقاط جهان به شرکت در شبکه‌های اجتماعی ترغیب نمودند. بنابراین بومی‌سازی فرصت به‌وجود آمده در قالب شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارائه‌ی خدمات مجازی با برقراری یک رویه‌ی ایمن به‌منظور تبادل اطلاعات مذهبی و اعتقادی کاربران نقاط قوتی را در بر می‌گیرد. از این رو، با بهره‌مندی از این فرصت، امکان مشارکت و حضور شهروندان در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، مذهبی تحقق یافته و هر شهروند با مشارکتی آگاهانه در ارتقاء امنیت عمومی گام بر می‌دارد. پژوهش قدرتی و دیگران (۱۳۸۸) درخصوص اهمیت شبکه‌های

اجتماعی که به‌طور اختصاصی بر حوزه سیاسی^۱ امنیتی معطوف بوده و اساساً به تأثیرات شبکه‌های اجتماعی در نظم و امنیت پایدار در جامعه پرداخته‌اند. صادقیان (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش کارکردی رسانه‌ها در امنیت ملی و عمومی» به این یافته‌ها رسیده‌اند که برخلاف تصور برخی، رسانه‌ها در تقابل با امنیت عمومی و ملی نیستند، بلکه مکمل و مهم‌ترین عامل تقویت‌کننده امنیت عمومی و ملی به حساب می‌آیند و برای پیشگیری از هرگونه تهدیدی، امنیت ملی و عمومی، بیش از هر چیز به تقویت رسانه‌ها نیازمندیم، زیرا امنیت ملی و عمومی بیش از هر چیز در گرو گسترش و بسط و توسعه اعتماد اجتماعی است و رسانه‌ها مهم‌ترین عامل ایجاد و توسعه اعتماد هستند. بنابراین رسانه‌های جمعی نقش فرهنگ‌پذیری، آموزش، اطلاع‌رسانی و ایجاد احساس امنیت به‌ویژه امنیت عمومی و ملی و مشارکت اجتماعی و ... بر عهده دارند که تقویت آنها زمینه‌ساز توسعه امنیت ملی و عمومی خواهد بود. مسعودی (۱۳۹۰) در تألیفی به «تحلیل محتوای وبلاگ‌های دینی در ایران» پرداخته است. براساس یافته‌های تحقیق؛ ساختار مطالب وبلاگ‌های دینی، مطالب دینی- فرهنگی است. نویسندگان وبلاگ‌ها بیشتر برای خودگشودگی و بیان خویشتن از طریق یادداشت‌های شخصی به‌صورتی واقع‌گرایانه به انتشار مطالب دینی می‌پردازند. وبلاگ‌های دینی ایرانی نسبت به مواضع سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، موضع‌گیری مثبت دارند، مردان بیشتر از زنان در وبلاگ‌های دینی حضور دارند و بیشتر آنها ساکن تهران یا شهرستان هستند و کمترین آنها در خارج از کشور سکونت دارند. سیر^۱ و ثروور اسمیت (۲۰۰۰) برای فهم تفاوت‌های روش‌های تعامل با کاربر در وب‌گاه‌های اینترنتی آلمانی، ژاپنی و آمریکایی به مقایسه این وب‌گاه‌ها پرداختند. به‌این‌منظور به بررسی عناصر طراحی شامل استفاده از نشانه‌ها و گرافیک‌ها، رنگ‌ها، ویژگی‌های وب‌گاه (پیوندها، نقشه‌ها، عملکردهای جست‌وجو و طرح‌های صفحات) و زبان و محتوا اقدام کردند که در نتیجه تفاوت‌های آشکاری در هر یک از

1. Cyr

موارد یادشده دیده شد. طبق نتایج به‌دست آمده، وب‌گاه‌های آلمانی و ژاپنی بیش از وب‌گاه‌های آمریکایی از قابلیت‌های ترجمه‌ی زبان استفاده می‌کردند. همچنین در قراردادن منوها و بنرها، سلیقه‌ی متفاوتی بین وب‌گاه‌های اینترنتی سه کشور دیده شد. همچنین تفاوت اشکاری بین رسانه مرجع استفاده‌کنندگان برای برقراری ارتباط با وب‌گاه در وب‌گاه‌های سه کشور وجود داشت؛ به این صورت که آمریکایی‌ها به نسبت ژاپنی‌ها و آلمانی‌ها به نسبت بیشتری از رایانامه استفاده کرده‌اند. قابلیت‌های جست‌وجو، راهنمایی و پیوندها نیز در وب‌گاه‌های مورد بررسی متفاوت بود و همچنین استفاده از صوت و ویدئو در وب‌گاه‌های سه کشور خیلی کم بود که ممکن است به دلیل سرعت پایین دانلود باشد. به‌طور کلی در این پژوهش شواهد آماری آشکاری فراهم آمد تا نشان دهد که طراحی وب‌گاه در فرهنگ‌های مختلف تفاوت دارد. ساتکلیف^۱ (۲۰۰۲) در پژوهشی با نام «ارزیابی قابل اعتماد بودن ارزشیابی اکتشافی در جذابیت و کارآمدی وب‌گاه اینترنتی، یک مدل سه‌فازی برای ارزشیابی وب‌گاه براساس جذابیت اولیه، راهبرد و اکتشاف، و تعامل پیشنهاد می‌کند. قابلیت استفاده به‌عنوان یک وسیله‌ی سنجش بین افزایش انگیزه استفاده‌کننده برای جست‌وجو و اکتشاف، و خرید منابع الکترونیکی تجاری هزینه خطاهای قابلیت استفاده تعریف شده است. برای دستیابی به جذابیت رابط‌های کاربر وب‌گاه طراحی زیبا، انگیزش کلی که به‌وسیله محتوا ایجاد شده است، هویت شرکت و نشان تجاری آن و کارایی منطبق بر نیازهای کاربر پیشنهاد شد. برای انجام این ارزشیابی ۹ دانشجو انتخاب شدند که با این مدل سه‌فازی به ارزشیابی وب‌گاه‌ها پرداخته و به هر وب‌گاه نمره ۱ تا ۵ دادند. از دانشجویان خواسته شد تا برای منطبق‌تصمیم‌شان و همچنین درباره‌ی آسانی ارزشیابی براساس این سه فاز توضیح دهند. درنهایت، مشخص شد که عوامل زیبایی و انگیزش می‌تواند در قضاوت درباره‌ی کیفیت وب‌گاه اثرگذار باشد. وان و نور^۲

1 Satcliffe

2 wan & Nor

(۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «مفهومی کردن سیستم‌های تعامل با کاربر در وب‌گاه‌های اسلامی، نگاهی به چشم‌انداز طراحی سیستم‌های تعامل با کاربر در فرهنگ اسلامی انداخته‌اند. این پژوهش یک بررسی ابتدایی در خصوص هویت و نشانه‌های ویژه و قابل استفاده در وب‌گاه‌های اسلامی است. در این پژوهش ۱۰۰ وب‌گاه اسلامی به‌عنوان نمونه این مطالعه انتخاب شدند و سپس از نظر وجود موارد زیر مورد بررسی قرار گرفتند:

۱- هویت اسلامی با توصیف گرهایی نظیر پیامبر، قبله، مکه، روزه، زیارت، قرآن، امام، و

...؛

۲- زبان؛

۳- استفاده از تصاویر و انیمیشن‌های واقعی؛

۴- صداهای اسلامی؛

۵- ارکان اساسی اسلام شامل شهادت، نماز، اذان، روزه، زکات، حج و ...؛

۶- سایر موارد مانند تقویم اسلامی؛

۷- کلمات ارتباطی اصلی اسلامی مانند ...، بسم‌...، ماشا...، السلام علیکم، و ...؛

۸- روش‌های معامله و تجارت اسلامی؛

۹- امنیت پشتیبانی؛

۱۰- قابلیت استفاده مانند سرعت، لینک‌های میانبر و

نتایج این مطالعه، استفاده پراکنده از نشانه‌های هویت اسلامی را نشان داد که ممکن است به ارائه‌های متفاوت و یا اشتباه از اسلام منجر شود. همچنین حدود نزدیک به ۵۰ درصد از وب‌گاه‌های بررسی شده قابلیت استفاده سطح پایینی را نشان دادند. بنابراین علائمی برای وجود نیاز به مفهومی کردن سیستم‌های تعامل با کاربر وب‌گاه‌های فرهنگ اسلامی وجود دارد.

شبکه: آن چه امروزه مسلم است، آن است که رویکرد شبکه‌ای دریافت ما را از ارتباطات انسانی گسترده‌تر کرده است. به‌طور کلی اندیشه شبکه‌های اجتماعی، اندیشه جدیدی

نیست. مفاهیم گروه سنجی و گروه نگار، بیش از نیم قرن قدمت دارند و مفهوم شبکه‌های اجتماعی نیز تنها دو دهه از آنها جوان‌تر است. اما این رویکرد، امروزه دیگر جای خود را در بسیاری از رشته‌ها از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، مردم‌شناسی، علوم سیاسی، ریاضیات و البته ارتباطات باز کرده است.

اصولاً شبکه را می‌توان مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های بهم پیوسته تعریف کرد. نقطه اتصال یا گره، نقطه‌ای است که در آن یک منحنی خود را قطع می‌کند. اینکه نقطه اتصال چه چیزی است، مشخصاً به نوع شبکه‌های مورد نظر بستگی دارد. شبکه‌ها، ساخت‌هایی باز هستند که می‌توانند بدون هیچ محدودیتی گسترش یابند و نقاط شاخص جدیدی را (مادامی که این نقاط توانایی ارتباط در شبکه را داشته یعنی از کدهای ارتباطی مشترک، برای مثال ارزش‌ها یا اهداف کارکردی، استفاده می‌کنند) درون خود پذیرا شوند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۴۵-۵۴۴).

راجرز^۱ شبکه ارتباطی را مجموعه‌ای از افراد مربوط به هم می‌داند که از طریق جریان‌های ارتباطی الگو دار بهم پیوسته‌اند. از این رو تحلیل شبکه ارتباطی، عبارت است از مطالعه پیوندهای میان افرادی که از راه سهیم شدن در اطلاعات در ساختار ارتباطی (شبکه) به وجود آمده‌اند (ویندال و سیگنایترز و اولسون، ۱۳۷۶ به نقل از مرتون، ۱۹۷۷ و راجرز و کینسید، ۱۹۸۱). شبکه‌ها در بسیاری از جوامع فرامدرن شکل مسلط روابط اجتماعی دارند. بسیاری از نهادهای مدرنی که ما می‌شناسیم (مانند قانون اساسی، حکومت قانون، قانون سالاری و جدایی نهادی قدرت‌ها) همگی برای مقابله با ضایعات ناشی از روابط شبکه‌ای طراحی شده‌اند. در واقع هم‌چنان که ماکس وبر و دیگر مفسران می‌گفتند، اساس مدرنیته، جایگزینی اقتدار غیررسمی با قانون و نهادهای شفاف است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۷۴؛ به نقل از زنده‌بودی، ۱۳۹۱).

بنابراین تعاریف می‌توان به خصلت فراگیر این گونه شبکه‌ها پی برد به این معنی که هر فرد از افراد جامعه یا محله عملاً به یک یا چند شبکه ارتباطی تعلق دارد. بررسی ساختارهای اجتماعی نو ظهور در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی، ما را به این نتیجه فراگیر رهنمون می‌سازد که، کارکردها و فرآیندهای مسلط در عصر اطلاعات هر روز بیش از پیش پیرامون شبکه‌ها سازمان می‌یابند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۴۳).

شبکه‌های اجتماعی مجازی: شبکه‌های اجتماعی مجازی یا واسط، رایانه‌ای و اینترنتی؛ در تعریف کلی به وب‌گاه‌هایی اطلاق می‌شوند که با مشارکت کاربران و محتوای تولید شده آنان پیش می‌رود (تردی نیک، ۲۰۰۶: ۲). این وب‌گاه‌ها برای کاربران خود این امکان را فراهم می‌آورد که تعاملات اجتماعی را بر اساس فناوری‌های جدید به گونه‌ای پیوسته (برخط) و گسسته (در کنار خط) تنظیم کنند. در این شبکه‌ها و این تعاملات، مفهوم جدید کاربر به جای مفهوم سنتی مخاطب نشسته است. زیرا به این ترتیب هر یک از کاربران به خلاف مخاطبان (در رسانه‌هایی مانند تلویزیون، رادیو، مطبوعات و...)، فقط مصرف کننده اطلاعات و پیام‌ها نیستند، بلکه آنها همانند همه کاربران شبکه، تولیدکننده محتوای تعاملات‌اند.

شبکه‌های اجتماعی مذهبی: شبکه‌های اجتماعی مذهبی مجازی به وب‌گاه‌هایی اطلاق می‌شوند که مهم‌ترین ویژگی وب‌گاه و کاربران آنها گرایش‌های مذهبی است. محتوای اصلی این شبکه‌ها از سوی کاربران تولید شده، به پیش می‌رود. هدف اصلی این شبکه‌ها فراهم آوردن امکان تعاملات مجازی و اجتماعی بر اساس تکنولوژی‌های جدید به گونه‌ای پیوسته (برخط) و گسسته (در کنار خط) با تاکید بر مؤلفه‌های دینی است. کاربران این شبکه‌ها همانند همه شبکه‌های اجتماعی، فضای مشترکی را برای تبادل پیام‌ها با یکدیگر فراهم می‌سازند که در آن، همه، هم مصرف کننده اطلاعات و پیام‌ها و هم تولیدکننده محتوای آنها هستند. اگر چه این شبکه‌ها همانند تمامی شبکه‌های اجتماعی از محتواهای مختلف و متنوعی تشکیل یافته و از امکانات و قابلیت‌های شبکه‌ها (لینک‌ها، طراحی‌ها،

اشتراک‌گذاری‌ها، جستجو و... برخوردار است، با این وصف تفاوت اساسی این شبکه‌ها با شبکه‌های اجتماعی دیگر تنها محتوای خاص (مذهبی) پیام‌هاست.

کارکردهای شبکه‌های مجازی مذهبی: در این شبکه‌ها انواع خدمات و فعالیت‌ها مانند پاسخ به پرسش‌ها، احکام، و گفت و گو (با برخی مراجع و روحانیون عالی رتبه)، معرفی سازمان‌ها و گروه‌های مذهبی، انجام برنامه‌های مذهبی مانند دعا، سخنرانی، تلاوت قرآن، نوحه سرایی، معرفی کتاب‌های مذهبی، معرفی وب‌گاه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مذهبی (رسمی و غیر رسمی)، فروشگاه‌های مذهبی، دانشکده‌های مذهبی، مجلات مذهبی، معرفی مجامع ملی و جهانی مانند مجمع جهانی اهل‌البیت، مراکز فرهنگ، شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای مذهبی، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مذهبی^۱ و از این قبیل ارایه می‌شود.

از جنبه‌های مهم این شبکه‌های مجازی مذهبی راه‌اندازی هیئت‌های مذهبی واقعی و تشکیل جلسات متعدد با یکدیگر است که برای نمونه می‌توان به «مکتب‌الهادی» در فیسبوک و گوگل پلاس اشاره داشت. بنابراین ملاحظه می‌شود که شبکه‌های اجتماعی مذهبی در کنار سایر شبکه‌های اجتماعی مجازی فرصت‌های فراوانی برای علاقه‌مندان فراهم می‌آورد تا به صورت مجازی، حتی علایق واقعی و آراء مشترک مذهبی خود را که اساسا در راستای تأمین و ارتقاء امنیت نیز می‌باشند، به اشتراک‌گذارند؛ به تقویت اعتقادات و باورهای دینی بپردازند؛ به پرسش‌های مختلف پاسخ گویند، تبادل و تعامل با یکدیگر را ارتقاء بخشند و به‌طور کلی به یگانگی و انسجام اجتماعی جامعه کمک کنند.

حتی اگر عضویت در این وب‌گاه‌ها به معنای فعال بودن این کاربران نباشد، عضویت در این شبکه‌ها نشان دهنده نوعی دگرگونی در تعاملات افراد از طریق برهم خوردن نظم حوزه خصوصی و عمومی آن‌هاست، زیرا بسیاری از کاربران فوق، بخشی از مشخصات شخصی خود مانند سن و سال، عکس و جنبه‌هایی از زندگی شخصی خود را با عموم دوستان و

1 . <http://www.iransima.ir>

شاید غریبه در میان می‌گذارند و ارتباطات مجازی را به‌عنوان راهی مقبول برای تداوم دوستی و ارتباط می‌پذیرند (خلقتی، ۱۳۸۹).

وب و وب‌گاه‌های شبکه اجتماعی مذهبی اغلب برای کاربرانشان، با فراهم آوردن محیط‌هایی نزدیک و صمیمی (اگر چه شاید رویایی اما)، چیزی را می‌سازند که در دنیای واقعی امکان آن وجود ندارد یا بسیار اندک است. اعضا به هنگام گفت و گو در شبکه‌های اجتماعی، فضایی محرمانه و شاید باز آرایه می‌کنند که شناسایی افراد، و رفتارها، زبان و اطلاعات آنها در عین ناممکن بودن، سهل است. اهمیت این شبکه‌ها زمانی بیشتر می‌شود که کاربران به سبب طبیعت آزاد این شبکه‌ها، می‌توانند به محتوا و اخبار روز از منابع بسیار متنوع در موضوعات مختلف دسترسی داشته باشند، باهم گفت و گو کنند، تگینگ^۱ اجتماعی داشته باشند، پیام بدهند و بگیرند، هدیه بدهند و بگیرند، و پروفایل‌های یکدیگر را به صورت همزمان نظاره کنند (هوگان و هاسه، ۱۳۸۹؛ رسولی و مرادی، ۱۳۹۱). دلیل دیگری که بر اهمیت شبکه‌ها و ضرورت توجه بدان‌ها (با تأکید بر فرم ارتباط) می‌افزاید، تأثیرات متقابل و بالقوه در میان گروه‌های رایانه‌ای، کمتر بودن کانال و کدهای در دسترس، ناشناس بودن تعامل کنندگان در زمان ارتباط، گمنامی، نبود ارتباطات غیر کلامی، جدایی فیزیکی و قابلیت انعطاف جسمانی کمتر است (رسولی و مرادی، ۱۳۹۱). با این وصف شبکه‌های اجتماعی تنها به این دلیل که در حال افزایش اند، اهمیت فراوانی نیافته اند، بلکه به زعم برخی نظریه پردازان، این گونه ارتباطات می‌توانند مردم را به رفتار کمتر کنترل شده و راه‌های ناهنجار هدایت کنند (خلقتی، ۱۳۸۹). چنان که تحقیقات اولیه ای که ارتباطات چهره‌به‌چهره و ارتباطات رایانه‌ای را با یکدیگر مقایسه کرده، نشان می‌دهند که کنش‌های ضد اجتماعی در تعاملات الکترونیک عمومیت بیشتری داشتند (خلقتی، ۱۳۸۹ به نقل از فیلیکس و همکاران، ۲۰۰۵؛ ۱۶۶۱). دسته‌ای دیگر از محققان مانند «راجرز» و «کینسید» به اهمیت شبکه‌های ارتباطی از دید شیوه ارتباط، یعنی «دوسویگی» و «ادراکات

مشترک» پرداخته‌اند. آن دو ارتباطات در شبکه‌ها را فرآیندی می‌دانستند که شرکت کنندگان در آن اطلاعات را خلق می‌کنند و در آن سهم می‌شوند تا به درک متقابلی از یکدیگر نائل شوند (ویندال و سیگنایتر و اولسون، ۱۳۷۶ به نقل از مرتون، ۱۹۷۷ و راجرز و کینسید، ۱۹۸۱).

امنیت عمومی: امنیت عمومی وضعیتی است که در آن مناسبات اجتماعی افراد، نهادهای مدنی و بوروکراسی دولتی از ظهور، توسعه و نهادینه شدن فسادهای مختلف، صیانت می‌شود و در نتیجه ضریب ناامنی افراد از زاویه عملکرد سایر بازیگران اجتماعی کاهش می‌یابد امنیت عمومی ناظر بر امنیت شهروندان در شبکه تعاملات فرد، دولت و جامعه و با مأموریت‌های سازمان پلیس در ارتباط مستقیم است. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۳۵). به نظر می‌رسد مفهوم امنیت عمومی^۱ حتی نسبت به امنیت ملی مفهوم توسعه نیافته‌تری به حساب می‌آید به طوری که گاه آن را با امنیت اجتماعی^۲ یا امنیت داخلی^۳ مترادف می‌دانند اما می‌توان با برجسته کردن برخی از ویژگی‌ها در لایه‌ای از درک امنیتی، مفهومی به نام امنیت عمومی را تولید و از سایر لایه‌ها متمایز نمود. برخلاف امنیت فردی که فرد را محور و مرجع امنیت می‌داند، در امنیت عمومی، عموم (مردم) مرجع امنیت تلقی می‌شوند (ره‌پیک، ۱۳۸۵: ۷۷-۷۸). اگرچه مفهوم عموم نسبت به فرد از ابهام بیشتری برخوردار است، اما بدیهی است گستره امنیت یا ناامنی نسبت به عموم در مقایسه با فرد متفاوت است. آنچه امنیت عموم را تأمین می‌کند لزوماً به معنای تأمین امنیت فرد نیست و برعکس، تهدیدهای امنیت عمومی با تهدیدهای امنیت فردی کاملاً یکسان نیست. دلیل این تفاوت آن است که مفهوم عموم به معنای همه افراد یا مجموع تک تک افراد نیست بلکه عموم یا عمومی، بر نوعی فراگیری نسبی در هویت جمعی و ارزش‌های یک جامعه اشاره می‌کند. تعبیری هم‌چون منافع عمومی^۱، مصالح عمومی^۲ و نظم عمومی نیز ویژگی یادشده را تداعی

1. Public interests

2. Public expediences

می‌کنند. (Cambell Black, 1983) شکل و ابزار درک مسائل عمومی، خاص این سطح است. از سوی دیگر در تقسیم‌بندی موضوعات، سطوح و ابعاد امنیت به داخلی و خارجی، امنیت عمومی به محیط، قلمرو و موضوعات داخلی ارتباط پیدا می‌کند و از این جهت برخلاف امنیت فردی تقیدهای خاصی را می‌پذیرد. بنابراین در درک امنیت عمومی همواره مفروضاتی مانند محیط ملی، داخلی و جامعه مشخص، مورد توجه است. به همین دلیل نسبت در امنیت عمومی در مقابل امنیت فردی با درجه شدیدتری وجود دراد و اگر در امنیت فردی از هنجارها و تهدیدات مشترک و یکسان بحث می‌شود، ممکن است در امنیت عمومی مصادیق و حتی شاخص‌های متفاوت امنیت یا ناامنی در جوامع و محیط‌های مختلف مطرح شود (ره‌پیک، ۱۳۸۵: ۸۴).

امنیت عمومی حاکی از نوعی نظم و آرامش در فضای جامعه است و تهدید و ناامنی عمومی، به برهم‌ریختگی، اضطراب یا ترس در این فضا اطلاق می‌شود. شاخص‌های درک این فضا را می‌توان از طریق افکار عمومی^۱ یا فراوانی مصادیق تعریف شده نظم یا بی‌نظمی و آرامش یا اضطراب به دست آورد. بنابراین، شاخص‌های مذکور می‌توانند اعتباری باشند. بر اساس این تلقی، نهادهای خاصی می‌توانند مستقیماً وظیفه تأمین امنیت عمومی را عهده‌دار باشند. نهادهایی که از نظر امکانات و منابع، امکان خدمت‌رسانی به عموم را دارند و نتیجه اقدامات آنها ایجاد نظم، آرامش یا کاهش اضطراب، ترس و بی‌نظمی در سطح عمومی است. به همین دلیل، نیروی انتظامی مهم‌ترین نهاد امنیت عمومی تلقی می‌شود زیرا، منابع، وظایف، اختیارات و اهداف پلیس در حوزه امنیت عمومی متمرکز شده است (ره‌پیک، ۱۳۸۵: ۷۸).

نظریه شبکه‌های اجتماعی: نظریه شبکه‌های اجتماعی، متفاوت از نظریه جامعه‌شناختی است که جامعه را متشکل از افراد تعریف می‌کند. در نظریه شبکه اجتماعی، نقطه عزیمت، پیوندها و روابط بین «گره‌های» موجود در شبکه است. «گره‌ها» منابع مادی و غیرمادی را

در درون شبکه به جریان انداخته و حیات آن را تداوم می‌بخشند. آنچه که شبکه‌های اجتماعی مجازی را از شبکه‌های اجتماعی متمایز می‌سازد، نه بنیان‌های نظری آن، بلکه متفاوت بودن بستر و سازوکارهای ارتباطی و شیوه تعامل است. شبکه‌های اجتماعی مجازی، یکی از بسترهای زندگی در عصر اطلاعات است که روابط رسمی و بوروکراتیک از آن رخت بر بسته و تعامل در آن آسان‌تر و فارغ از دغدغه‌های جاری در فضای فیزیکی صورت می‌گیرد. در نگاه نخست ممکن است شبکه‌های اجتماعی مجازی به جزیره‌هایی جدا از هم به نظر برسند، اما واقعیت این است که این شبکه‌ها از طریق «سرپل»های متعدد با یکدیگر مرتبط‌اند و نیرویی عظیم ایجاد کرده‌اند.

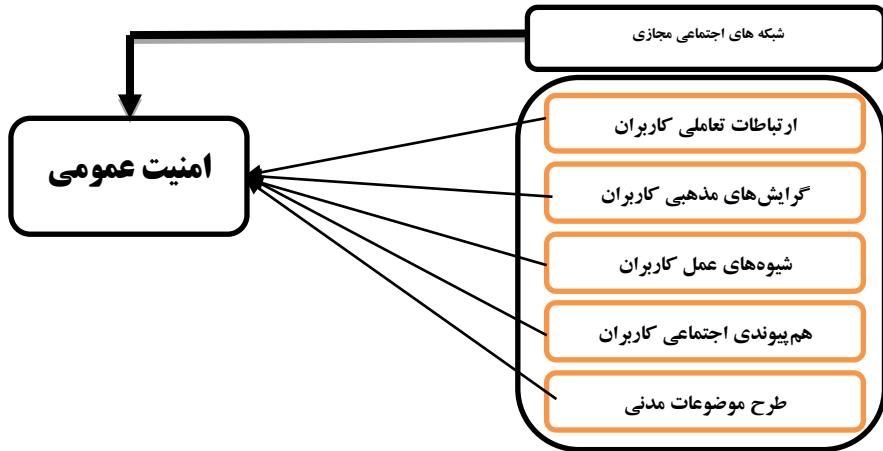
شبکه‌های اجتماعی مجازی، به‌عنوان جوامع آنلاین، حاصل تعامل بین گروه‌های همفکر و دوستان است و از ویژگی «بازبودن» و «عدم تمرکز» برخوردارند. بدین معنا که آسیب دیدن یک عنصر یا گره در شبکه، آن را متلاشی نمی‌کند، شبکه‌های اجتماعی مجازی، به‌طور مداوم به بازسازی و ترمیم خود می‌پردازند. کاستلز، ویژگی‌های این شبکه‌ها را انعطاف‌پذیری، به‌معنای توانایی بازسازی، مطابق تغییرات محیطی و توجه به اهداف، در عین تغییر اجزاء و یافتن اتصال‌های جدید؛ مقیاس‌پذیری، قابلیت انبساط یا انقباض اندازه شبکه، که احتمال اختلال در شبکه را کاهش می‌دهد؛ و قابلیت تداوم حیات، که نشان توانایی شبکه‌ها است، زیرا آن‌ها یک مرکزیت واحد ندارند بلکه با پیکربندی در سطحی وسیع عمل می‌کنند (Castells, 2009: 20-23).

افزون بر تعامل درون شبکه‌ای، تعامل‌های بیرون شبکه‌ای نیز در این شبکه‌ها رایج است. این تعامل‌ها، نه تنها «سرمایه اجتماعی» و «قدرت» می‌آفرینند، بلکه در ایجاد موج‌های اجتماعی و تأثیر بر واقعیت‌های محیط واقعی، نقش آفرین است. این تأثیر تنها به جنبش‌های اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه همه عرصه‌های زندگی را در برمی‌گیرد. کنشگران در شبکه‌های اجتماعی، طیف وسیعی را در برمی‌گیرد از افراد و گروه‌ها، تا شرکت‌ها و حتی کشورها (Williams and Joan, 2008) بنابه نظریه شبکه‌های

اجتماعی در فضای مجازی، پلیس نیز برای استقرار نظم و امنیت عمومی در جامعه نیازمند استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی غیرسازمانی (به‌ویژه شبکه‌های مذهبی) بوده و برای ارتقاء و توسعه امنیت عمومی در جامعه تعامل در شبکه‌های مذهبی را نه تنها سرمایه اجتماعی و قدرت شبکه‌ای تلقی کرده بلکه با اتکا بر آنها در تصمیم‌گیری‌های امنیتی و سیاسی نقش آفرینی می‌کند. بنابراین از نظریه شبکه‌های اجتماعی به‌صورت ترکیبی که به نوعی، بیشتر فرضیه‌های پژوهش حاضر را پشتیبانی می‌کنند استفاده شده، به‌عنوان مثال ارتباطات تعاملی در شبکه‌های اجتماعی، هم‌پیوندی اجتماعی در شبکه‌های مذهبی که به‌عنوان متغیرهای جداگانه به آنها پرداخته شده از نظریه شبکه‌های اجتماعی استخراج شده و شاخص‌های فرضیه‌ها با پشتیبانی این نظریه سازماندهی شده است.

فرضیه‌های تحقیق

- بین شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی شهر قم رابطه معناداری وجود دارد.
- بین ارتباطات تعاملی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و امنیت عمومی شهر قم رابطه معناداری وجود دارد.
- بین گرایش‌های مذهبی کاربران در شبکه‌های مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی شهر قم رابطه معناداری وجود دارد.
- بین شیوه‌های عمل کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی شهر قم رابطه معناداری وجود دارد.
- بین هم‌پیوندی اجتماعی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی شهر قم رابطه معناداری وجود دارد.
- بین طرح موضوعات مدنی از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی شهر قم رابطه معناداری وجود دارد.



نمودار ۱: الگوی نظری تحقیق

روش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و از نظر روش، پیمایشی (زمینه یابی) است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کاربران که در سطح شهر قم از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کردند، تشکیل شده و به دلیل بزرگ بودن جامعه، براساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شدند. بنابراین این پژوهش یک تحقیق همبستگی است که در آن رابطه بین متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یک متغیر اثرگذار و ارتقاء امنیت عمومی به عنوان متغیر اثرپذیر مورد سنجش قرار گرفته است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته است. در این پژوهش برای سنجش اعتبار پرسش‌نامه از روش اعتبار محتوایی استفاده شده است؛ بدین گونه که برای تعیین اولیه شاخص‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش، ابتدا از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده و سپس پرسش‌نامه در اختیار چند نفر از کارشناسان و اساتید دانشگاهی قرار گرفته است و پس از اخذ نظرات آنان از طریق تحلیل محتوا اعتبار پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفته است. همچنین برای سنجش

پایایی از ضریب آلفای کروناخ استفاده شده است، مقدار این کمیت برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۰۶ به دست آمد.

جدول ۱: ضریب آلفای کروناخ متغیرهای پژوهش

متغیرها	آلفای کروناخ	آلفای کل
ارتباطات تعاملی	۰/۹۲	۰/۹۰۶
گرایش‌های مجازی	۰/۹۰	
شیوه‌های عمل	۰/۸۸	
هم‌پیوندی اجتماعی	۰/۸۹	
مطرح‌شدن موضوعات مدنی	۰/۹۰	
امنیت عمومی	۰/۸۶	-

یافته‌های پژوهش

جدول ۲: نتایج نقش مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی در ارتقاء امنیت عمومی

متغیر	تعداد	ارزش	خطای استاندارد	مقدار تاي كندال b	سطح معناداری
ارتباطات تعاملی کاربران----- امنیت عمومی	۳۸۴	۰/۲۰۷	۰/۴۸	۳/۰۲۹	۰/۰۱
گرایش‌های مذهبی کاربران----- امنیت عمومی	۳۸۴	۰/۲۷۹	۰/۰۷۹	۳/۸۳۹	۰/۰۱
شیوه‌های عمل کاربران----- امنیت عمومی	۳۸۴	۰/۲۱۸	۰/۰۸۱	۳/۲۱۹	۰/۰۳۴
هم‌پیوندی اجتماعی----- امنیت عمومی	۳۸۴	۰/۲۱۲	۰/۰۴۶	۳/۲۲۴	۰/۰۰۰
مطرح‌شدن موضوعات مدنی----- امنیت عمومی	۳۸۴	۰/۲۱۶	۰/۰۴۵	۳/۲۱۹	۰/۰۳

- نتایج به دست آمده از آزمون تای کندال b نشان می‌دهد با توجه به مقدار $(3/0.29) = T^b$ و سطح معنی داری آن $(0/0.1)$ که کمتر از $(sig= 0/0.5)$ است در نتیجه بین ارتباطات تعاملی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معناداری وجود دارد. چون براساس محاسبه تای کندال b و $(0/0.1) =$ سطح معناداری) یعنی میزان خطا کمتر از $0/0.5$ نشان دهنده این است که این رابطه با بیش از 95% اطمینان تأیید می‌شود. بنابراین ارتباطات تعاملی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی در ارتقاء امنیت عمومی رابطه مستقیم و مثبت دارد و فرضیه یادشده تأیید می‌شود.
- نتایج به دست آمده از آزمون تای کندال b نشان می‌دهد $(3/8.39) =$ تای کندال b) بین گرایش‌های مذهبی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معناداری وجود دارد. چون براساس محاسبه تای کندال b و $(0/0.1) =$ سطح معناداری) نشان دهنده این است که این رابطه با بیش از 95% اطمینان تأیید می‌شود. بنابراین کاربران با به اشتراک گذاری عقاید دینی و مذهبی، پیام‌رسانی‌های داوطلبانه مذهبی در شبکه‌های اجتماعی راجع به مراسم و مناسبت‌های مذهبی و امنیتی، ارائه علایق واقعی و آراء مشترک مذهبی خود در راستای تامین و ارتقاء امنیت عمومی در جامعه نقش مؤثر و سازنده دارند بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین گرایش‌های مذهبی کاربران شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و فرضیه یادشده تأیید می‌شود.
- نتایج به دست آمده از آزمون تای کندال b نشان می‌دهد $(3/2.19) =$ تای کندال b) بین شیوه‌های عمل کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معناداری وجود دارد. چون براساس محاسبه تای کندال b و $(0/0.34) =$ سطح معناداری) نشان دهنده این است که این رابطه با بیش از 95% اطمینان تأیید می‌شود. بنابراین شیوه‌های عمل کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی اعم از نحوه

جمع‌آوری و جذب اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی توسط کاربران برای ارائه به پلیس در راستای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی یا نظارت همه جانبه بر نوع محتوای تولید شده در شبکه‌های اجتماعی مذهبی (نظارت پلیس و نظارت خود کاربران) و اطلاع از اخبار و رویدادها مرتبط با پلیس و دسته‌بندی اطلاعات تولید شده در شبکه‌های اجتماعی مذهبی به صورت فعالانه و در راستای مدرسانی به پلیس باشد می‌تواند در ارتقاء و توسعه امنیت عمومی شهر قم مؤثر باشد، در نتیجه این‌گونه استنباط می‌شود که بین شیوه‌های عمل کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد و فرضیه یادشده تایید می‌شود.

- نتایج به دست آمده از آزمون تای کندال b نشان می‌دهد ($3/224 = \text{تای کندال } b$) بین هم‌پیوندی اجتماعی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معناداری وجود دارد. چون براساس محاسبه تای کندال b و ($0/000 = \text{سطح معناداری}$) نشان دهنده این است که این رابطه با بیش از ۹۵٪ اطمینان تایید می‌شود. بنابراین هم‌پیوندی اجتماعی کاربران اعم از احساس وابستگی و تعامل درون گروهی در شبکه‌های اجتماعی مذهبی، راه‌اندازی اجتماعات برخط در شبکه‌های اجتماعی مذهبی در تعامل و همسو با فعالیت‌های پلیس، قدرت بسیج‌کنندگی و هم‌افزایی شبکه‌ها اجتماعی مذهبی و تجارب باهم بودن پلیس و شهروندان در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی مذهبی در راستای همفکری و مشارکت با پلیس صورت بگیرد می‌تواند در توسعه و ارتقاء امنیت عمومی استان قم نقش داشته باشد بنابراین نتایج تحلیلی حاکی از آن است که بین هم‌پیوندی اجتماعی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد و فرضیه یادشده تایید می‌شود.

• نتایج به دست آمده از آزمون تای کندال b نشان می‌دهد ($3/219 =$ تای کندال b) بین مطرح شدن موضوعات مدنی در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معناداری وجود دارد. چون براساس محاسبه تای کندال b و ($0/03 =$ سطح معناداری) نشان دهنده این است که این رابطه با بیش از ۹۵٪ اطمینان تایید می‌شود. بنابراین مطرح شدن موضوعات مدنی اعم از طرح مصالح و مطالبات عمومی در شبکه‌های اجتماعی مذهبی، تکالیف و حقوق شهروندان (مرتبط با امنیت)، مطرح شدن مشکلات و مسایل اجتماعی قبل از بحران زاشدن آنها، مطرح شدن موضوعات فرهنگی و آموزش مهارت‌های زندگی در شبکه‌های اجتماعی مذهبی در راستای پیشگیری از بحران‌های اجتماعی و برای همکاری و مدد رسانی با پلیس اطلاعات و امنیت عمومی باشد می‌تواند در توسعه و ارتقاء امنیت عمومی مؤثر باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم بین مطرح شدن مسائل و موضوعات مدنی در شبکه‌های اجتماعی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد و فرضیه یاد شده تایید می‌شود.

جدول ۳: آزمون آماری تحلیل رگرسیونی متغیرها

متغیر	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین square R	B	beta	t	Sig	
ارتباطات تعاملی کاربران	۰/۸۶۱	۰/۷۸۲	۰/۳۳۶	۰/۳۶۲	۱۲/۶۲۸	۰/۰۱	
گرایش‌های مذهبی کاربران			۰/۳۳۴	۰/۳۴۲	۱۱/۸۲۵	۰/۰۱	
شیوه‌های عمل کاربران			۰/۲۸۸	۰/۳۲۲	۱۰/۶۶۲	۰/۰۳۴	
هم پیوندی اجتماعی			۰/۳۴۶	۰/۳۳۶	۱۲/۶۳۲	۰/۰۰	
مطرح شدن موضوعات مدنی			۰/۳۲۶	۰/۳۲۸	۱۱/۷۲۵	۰/۰۳	
ارتقاء امنیت عمومی			۰/۲۱۵	-	۳/۴۲۵	-	-

همان گونه که در جدول ۳ مشاهده می شود، ضریب همبستگی بین متغیر وابسته با همه متغیرهای مستقل ($R=0/861$) که از همبستگی بسیار بالایی برخوردار است و نشان می دهد که متغیرهای مستقل (ارتباطات تعاملی کاربران، گرایش های مذهبی، شیوه های عمل کاربران، هم پیوندی اجتماعی و مطرح شدن مسائل و موضوعات مدنی در شبکه های اجتماعی مذهبی) با یکدیگر و همچنین با متغیر وابسته (ارتقاء امنیت عمومی) همبستگی بسیار بالایی دارند. همچنین ضریب تعیین ($\text{square}R=0/782$) محاسبه شده که نشان می دهد متغیرهای مستقل مورد مطالعه حدود ۷۸ درصد توانایی تبیین متغیر وابسته (ارتقاء امنیت عمومی) را دارند یا به نوعی در ارتقاء امنیت عمومی نقش دارند و ۲۲ درصد باقی مانده مربوط به دیگر متغیرها و عوامل مختلف تأثیر گذار در ارتقاء امنیت عمومی هستند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش شبکه های اجتماعی مذهبی در ارتقاء امنیت عمومی شهر قم انجام شده است که به برخی از نتایج این تحقیق به شرح زیر اشاره می شود. کاربران شرکت کننده در این تحقیق معتقدند که بین ارتباطات تعاملی آنان در شبکه های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معناداری وجود دارد؛ اگر تعامل و گفت و گوی دوسویه کاربران در خصوص موضوع های مرتبط با امنیت عمومی (بین کاربران با همدیگر و کاربران با پلیس) و مشارکت های اجتماعی فعالانه آنان در شبکه های اجتماعی مذهبی برای تبادل نظر با پلیس صورت بگیرد می تواند در ارتقاء و توسعه امنیت عمومی مؤثر باشند یا عواملی دیگر چون همفکری و همکاری های دوجانبه کاربران شبکه های اجتماعی مذهبی برای مدد رسانی به پلیس، اشتراک علاقه مندی ها و خواسته های مرتبط با امنیت عمومی در شبکه های اجتماعی مذهبی مبادله شود در ارتقاء و توسعه امنیت عمومی نقش سازنده و مؤثر دارد یا شاخص دیگر از جمله انتقاد و ارزیابی از نحوه فعالیت پلیس و اعلام نظرات (سازنده و آزاد) به واسطه ناشناس بودن تعامل کنندگان در شبکه های

اجتماعی مذهبی می‌توانند به‌عنوان عوامل کلیدی و محوری در ارتقاء امنیت عمومی باشند، بنابراین این گونه استنباط می‌شود که ارتباطات تعاملی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی در ارتقاء امنیت عمومی رابطه مستقیم و مثبت دارد. به‌طوری که هرچه میزان تعاملات، مشارکت‌های اجتماعی، همکاری‌های دوجانبه مابین کاربران و پلیس در شبکه‌های اجتماعی افزایش یابد در توسعه و ارتقاء امنیت عمومی نیز مؤثر است. همان‌طور که قدرتی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود در خصوص اهمیت شبکه‌های اجتماعی که به‌طور اختصاصی بر حوزه سیاسی^۵ امنیتی معطوف بوده، پرداخته و اساساً به نقش و تأثیر شبکه‌های اجتماعی در نظم و امنیت پایدار در جامعه پرداخته‌اند و تأکید داشته‌اند که شبکه‌های اجتماعی در ایجاد نظم و امنیت پایدار در جامعه نقش اساسی دارند، بنابراین به نظر می‌رسد این پژوهش نیز با نتایج پژوهش قدرتی و همکاران (۱۳۸۸) ارتباط هم‌سویی داشته و نکته قابل افتراق این است که در این مؤلفه به‌طور ویژه ارتباطات تعاملی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی در ارتقاء امنیت عمومی مد نظر است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین گرایش‌های مذهبی کاربران شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی مذهبی به نحوی در توسعه امنیت عمومی دخیل هستند که این دخالت می‌تواند اعم از تولید محتوای مذهبی در راستای ارتقاء امنیت عمومی، کارکرد اطلاع‌رسانی، مدیریت اخبار و اطلاعات در راستای توسعه امنیت عمومی، مدد رسانی به پلیس در راستای ارتقاء امنیت عمومی، فرهنگ‌سازی و ایجاد جاذبه‌های مذهبی و اعتقادی و تقویت ارزش‌های اسلامی و مذهبی به‌منظور حفظ امنیت عمومی و ... را در بر بگیرد، به‌گونه‌ای که کاربران با به اشتراک‌گذاری عقاید دینی و مذهبی خود، پیام‌رسانی‌های داوطلبانه مذهبی در شبکه‌های اجتماعی راجع به مراسم و مناسبت‌های مذهبی و امنیتی، شکل‌گیری گروه‌های مذهبی و ارائه علایق واقعی و آراء مشترک مذهبی خود در راستای تامین امنیت در جامعه، پاسخ به پرسش‌ها، احکام، و گفت‌وگو (با برخی مراجع و روحانیون عالی رتبه)

در خصوص مسائل امنیت عمومی، معرفی سازمان‌ها و گروه‌های مذهبی به عموم شهروندان در راستای مدرسانی به پلیس، نقش این شبکه‌ها را در ارتقاء امنیت عمومی مؤثر و مفید می‌دانند. بنابراین یافته‌های تحلیلی پژوهش نیز حاکی از آن است که بین گرایش‌های مذهبی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد و به هر میزان کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی به ارائه ارزش‌های مذهبی و اعتقادی، مباحث دینی و تولید محتوای مذهبی و ایجاد جاذبه‌های دینی پردازند و این عوامل را در دنیای واقعی در مقام عمل و اجرا کاربردی کنند به گونه‌ای که با رویکرد کمک به پلیس در راستای موضوع امنیت عمومی باشد در ارتقا و توسعه امنیت عمومی نیز مؤثر هستند.

بین شیوه‌های عمل کاربران در شبکه‌های اجتماعی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد، بنابراین شیوه‌های عمل کاربران در شبکه‌های اجتماعی اعم از نحوه جمع‌آوری و جذب اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی توسط کاربران برای ارائه دادن به پلیس، نظارت همه‌جانبه بر نوع محتوای تولید شده در شبکه‌های اجتماعی مذهبی (نظارت کاربران و پلیس)، اطلاع از رویدادها و اخبار و مبادله اطلاعات با پلیس، شیوه‌های تبادل اطلاعات مرتبط با پلیس در بین سایر کاربران شبکه‌های اجتماعی مذهبی و دسته‌بندی اطلاعات تولید شده در شبکه‌های اجتماعی مذهبی در راستای مدرسانی به پلیس باشند، می‌توانند در ارتقاء و توسعه امنیت عمومی مؤثر باشند، بنابراین به نظر می‌رسد به هر میزان که کاربران اخبار و اطلاعات ارزشمند و مفیدی را در حوزه‌های امنیت در شبکه‌های اجتماعی مذهبی به اشتراک بگذارند یا به نوعی اطلاعات جمع‌آوری شده را در منظر و نظارت پلیس برای هرگونه تصمیم‌گیری قرار دهند می‌توانند در توسعه و ارتقاء امنیت عمومی مؤثر و مفید باشند، نتایج آماری پژوهش نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین شیوه‌های عمل کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معناداری وجود دارد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین هم‌پیوندی اجتماعی کاربران در شبکه‌های اجتماعی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معناداری وجود دارد، بنابراین کاربران با احساس وابستگی و تعامل درون گروهی و با راه‌اندازی اجتماعات برخط در شبکه‌های اجتماعی مذهبی در تعامل و همسو با فعالیت‌های پلیس به نوعی قدرت بسیج‌کنندگی و هم‌افزایی را در شبکه‌های اجتماعی مذهبی دنبال کرده و این عوامل می‌توانند در ارتقاء امنیت عمومی مؤثر باشند، همچنین تجارب باهم بودن پلیس و شهروندان در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی مذهبی نیز نوعی مشارکت و تعامل درون گروهی و درون شبکه‌ای ایجاد نموده و با تبادل افکار و نظرات مابین پلیس و کاربران پیرامون آن بخش از مباحث امنیت عمومی که عموم مردم انتظار تولید آن را از سوی مبادی مربوطه به ویژه پلیس دارند، کمک مؤثری به موضوع ارتقاء امنیت عمومی در شهر قم است. به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی مذهبی در فرآیند تولید امنیت عمومی نقش سازنده داشته باشند، آنها می‌توانند از طریق تحکیم و تعمیق پیوندهای مذهبی، فرهنگی و تقویت ارزش‌های اسلامی به پایداری توسعه و همبستگی‌های اجتماعی پردازند. روشن است که در یک نظام هماهنگ شبکه‌ای، انسجام و پایداری توسعه و در نتیجه ایجاد همگرایی ملی و امنیت پایدار و تقویت امنیت عمومی مدنظر است که در شبکه‌های اجتماعی مذهبی امکان تحقق آن وجود دارد و این عوامل می‌توانند در ارتقاء و توسعه امنیت عمومی مؤثر باشند، بنابراین یافته‌های تحلیلی تحقیق نیز حاکی از آن است که با خطای کمتر از ۰/۰۵ بین هم‌پیوندی اجتماعی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد، نتایج این پژوهش با بخشی از نتایج پژوهش صادقیان (۱۳۸۹) همسو بوده به طوری که صادقیان (۱۳۸۹) در پژوهش خود عنوان می‌دارد برخلاف تصور برخی، رسانه‌ها در تقابل با امنیت عمومی و ملی نیستند، بلکه مکمل و مهم‌ترین عامل تقویت‌کننده امنیت عمومی و ملی به حساب می‌آیند و برای پیشگیری از هرگونه تهدیدی، امنیت ملی و عمومی، بیش از هر چیز به تقویت رسانه‌ها نیازمندیم، زیرا امنیت ملی و عمومی بیش از هر چیز در گرو گسترش و

بسط و توسعه اعتماد اجتماعی است و رسانه‌ها مهم‌ترین عامل ایجاد و توسعه اعتماد هستند. بنابراین رسانه‌های جمعی نقش فرهنگ‌پذیری، آموزش، اطلاع‌رسانی و ایجاد احساس امنیت به‌ویژه امنیت عمومی و ملی و مشارکت اجتماعی و ... را بر عهده دارند که تقویت آنها زمینه‌ساز توسعه امنیت ملی و عمومی خواهد بود. یا در پژوهش قاسمی (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی نقش رسانه‌ها در ایجاد همگرایی ملی و امنیت پایدار (با تأکید بر همگرایی مرزنشینان استان آذربایجان غربی)» رسانه‌های جمعی، نقشی دوگانه در خصوص جوامع دارند؛ از طرفی با دستکاری و تحریک به تغییر و تهدید بافت اجتماعی یک جامعه مبادرت می‌ورزند و نابسامانی‌های اجتماعی را دامن می‌زنند و از طرف دیگر می‌توانند با مدیریت صحیح از ایجاد شکاف‌های اجتماعی جلوگیری کنند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تلویزیون در ایجاد همگرایی (۴ عامل «جامعه‌پذیری»، «تقویت همبستگی و جلوگیری از واگرایی»، «تقویت ارزش‌های ملی» و «تقویت ارزش‌های اسلامی»)، رادیو فقط بر ۲ عامل «تقویت ارزش‌های ملی» و «تقویت ارزش‌های اسلامی» اثر معناداری دارند و مطبوعات بر هیچ‌یک از این عوامل اثر معناداری ندارند. در مجموع می‌توان گفت که پژوهش‌های یادشده به نوعی با پژوهش حاضر هم‌سو و هم‌پوشان بوده و همگی در راستای توسعه و ارتقاء امنیت عمومی در جامعه هستند.

یافته‌های تحلیلی تحقیق نشان می‌دهد بین مطرح شدن موضوعات مدنی در شبکه‌های اجتماعی مذهبی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معناداری وجود دارد به‌طوری‌که کاربران با طرح مصالح و مطالبات عمومی و تکالیف و حقوق شهروندان (مرتبط با امنیت)، مطرح شدن مشکلات و مسایل اجتماعی قبل از بحران‌زاشدن آنها در شبکه‌های اجتماعی مذهبی، مطرح شدن موضوعات فرهنگی، آموزش مهارت‌های زندگی در شبکه‌های اجتماعی مذهبی را در توسعه و ارتقاء امنیت عمومی مؤثر می‌دانند و معتقد هستند که به هر میزان موضوعات عمومی جامعه در قالب مشارکت‌های سیاسی و مدنی در شبکه‌های اجتماعی مذهبی مطرح شود و مخاطب آن پلیس باشد و با رویکرد مشارکت و تعاملات اجتماعی

کاربران با پلیس صورت گیرد، می‌توان گفت که در توسعه و ارتقاء امنیت عمومی در جامعه نقش محوری دارد همان‌طور که هابرماس (۱۳۸۴) در «نظریه کنش ارتباطی»، به بحث پیرامون عقلانیت و عقلانیت ارتباطی پرداخته است و در «تحول ساختاری حوزه عمومی» با مطالعه سیر تاریخی شکل‌گیری حوزه عمومی بورژوازی، ویژگی‌های یک حوزه عمومی توسعه‌یافته را برشمرده است. به نظر وی جامعه‌ای توسعه‌یافته است که افراد آن در موضوعات عمومی از طریق مباحثه و مفاهمه که یک فرایند دو طرفه است با هم مشارکت داشته باشند، به نظر می‌آید در شبکه‌های اجتماعی مذهبی نیز کاربران حول محورهای مورد مطالعه (از جمله مباحث امنیتی و مذهبی نیز) باهم به گفت‌وگو در قالب تعاملات اجتماعی مجازی می‌پردازند و این گفت‌وگوی دوسویه ارتباطی در حوزه عمومی با عنوان شبکه‌های اجتماعی مذهبی نقش تعیین‌کننده در ارتقاء امنیت عمومی دارد.

شبکه‌های اجتماعی مذهبی نوعی از رسانه‌های اجتماعی است که می‌توانند زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای تامین امنیت عمومی در جامعه ایجاد کنند و با توجه به کارکردها و ویژگی‌های این شبکه‌ها، فضای نوینی در عرصه کنشگری به وجود می‌آید، پارادایم فناوری‌های ارتباطی نوین (به طور ویژه شبکه‌های اجتماعی مذهبی) نوعی از شکل زندگی و کنشگری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و امنیتی را مورد توجه قرار داده است که می‌تواند در بستر تعامل و ارتباطات دو سویه و چند سویه، و با رویکرد مشارکت‌پذیری، کنشگران را به بهره‌برداری هدفمند از این شبکه‌های مذهبی ترغیب نموده، بنابراین در این پژوهش نیز نگارنده با تکیه بر رویکرد تعاملی و ویژگی‌های مثبت این شبکه‌ها تحقیق خود را پیش برده به طوری که یافته‌های تحلیلی پژوهش حاکی از وجود رابطه معنادار و مثبت بین متغیرهای مورد مطالعه در ارتقاء امنیت عمومی است. با توجه به اینکه نظریات و پژوهش‌های مرتبط گوناگون حاکی از آن است که برخلاف تصور برخی، رسانه‌ها در تقابل با امنیت عمومی و ملی نیستند، بلکه مکمل و مهم‌ترین عامل تقویت‌کننده امنیت عمومی و ملی به حساب می‌آیند (صادقیان، ۱۳۸۹ و عظیمی، ۱۳۹۱) و

همان‌طور که در چارچوب نظری مطرح شده، بسیاری از نظریه‌پردازان علوم ارتباطات از جمله کاستلز در نظریه شبکه‌های اجتماعی و جامعه شبکه‌ای از عنصر تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یک سازه مهم در تنظیم مناسبات مابین کنشگران این فضا یاد می‌کنند. این مطالعه نیز عنوان می‌کند که ارتباطات تعاملی در شبکه‌های اجتماعی مذهبی، متغیر و مؤلفه مهم در ارتقاء امنیت عمومی است به‌طوری که یافته‌های آماری از جمله نتایج آزمون تای کندال b نشان می‌دهد که با خطای کمتر از ۰/۰۵ بین ارتباطات تعاملی و ارتقاء امنیت عمومی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین اگر بستر تعامل و گفتگوی دو سویه، مشارکت‌های اجتماعی فعالانه برای تبادل نظر و همکاری‌های دوجانبه با پلیس در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی فراهم شود، شاخص تأثیرگذاری در ارتقاء و توسعه امنیت عمومی است و در سطح بعدی پژوهش با تکیه بر عنصر تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی و به‌ویژه با توجه به اینکه شبکه‌های اجتماعی مورد مطالعه در این پژوهش از جنس مذهبی (گرایش دینی و مذهبی) بوده، فرضیه دوم پژوهش صورت‌بندی شد و نتایج آماری این متغیر نیز بیانگر وجود رابطه معنادار بین گرایش‌های مذهبی کاربران و ارتقاء امنیت عمومی است؛ با این تحلیل که اگر کنشگران و شبکه‌سازان گرایش مذهبی بودن را به‌عنوان یک مفهوم و سازه مؤثر در روابط برخط میان خود و پلیس تلقی کنند می‌توانند در ارتقاء و توسعه امنیت عمومی نقش آفرینی کنند، همچنین، یافته‌های تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد که تعامل کنندگان در فضای شبکه‌های اجتماعی مذهبی (به‌طور ویژه کاربران) با شیوه‌های عمل خود در شبکه‌های مزبور اعم از نحوه جذب و جمع‌آوری اطلاعات، نظارت بر نوع محتوای تولید شده و دسته‌بندی اطلاعات برای ارائه به پلیس می‌توانند در ارتقاء امنیت عمومی مشارکت کنند، به‌گونه‌ای که نتایج آماری این مؤلفه نیز نشان از وجود رابطه معنادار بین شیوه‌های عمل کاربران و ارتقاء امنیت عمومی در جامعه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی مذهبی نوعی هم‌پیوندی اجتماعی در بین کاربران ایجاد شده به‌طوری که کاربران با راه‌اندازی اجتماعات

برخط در شبکه‌های مذهبی در تعامل و همسو با فعالیت‌های پلیس و با توجه به ویژگی بسیج‌کنندگی و هم‌افزایی شبکه‌های اجتماعی، احساس وابستگی و تعامل درون‌گروهی خود را با پلیس در شبکه‌های اجتماعی مذهبی افزایش داده و این رویکرد می‌تواند در ارتقاء امنیت عمومی مؤثر و مفید باشد، از سوی دیگر مطرح شدن مسائل مدنی افراد جامعه در شبکه‌های اجتماعی مذهبی اعم از موضوعات فرهنگی، مصالح و مطالبات عمومی، حقوق شهروندان مرتبط با امنیت و مسایل اجتماعی قبل از بحران‌زا و امنیتی شدن آنها در شبکه‌های اجتماعی مذهبی متغیر تأثیرگذار دیگری در ارتقاء امنیت عمومی است.

منابع

- ابری، انسیه (۱۳۸۷). فضای مجازی عرصه ظهور خلاقیت، اولین کنفرانس ملی خلاقیت‌شناسی و TRIZ. مهندسی و مدیریت نوآوری ایران.
- استادحسین، یاسر و دلیلی، شیما (۱۳۸۹). بومی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی در محلات شهری. اولین همایش شهروندی و مدیریت محله‌ای، حقوق و تکالیف.
- افتخاری، اصغر؛ خواجه‌سروری، غلامرضا و امیدوار، احمد (۱۳۷۹). مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی. تهران: دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.
- آقایی، سیدداود؛ صادقی، سیدسعید و هادی، داریوش (۱۳۹۱). واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (اطلاع‌رسانی، سازماندهی و گسترش سریع تحولات). فصلنامه روابط خارجی. ۴(۲)، ۷-۳۳.
- حبیب‌زاده ملکی، اصحاب؛ افخمی، حسینعلی و نادرپور، محمدرضا (۱۳۸۸). بررسی نقش دوگانه رسانه‌ها در پیشگیری و وقوع جرم. فصلنامه انتظام اجتماعی. ۱(۲)، ۱۰۷-۱۴۲.
- خلقتی، مرضیه (۱۳۸۹). شبکه‌های اجتماعی: پیدایش و تحولات. فصلنامه کتاب مهر. شماره اول، ۱۰-۲۰.
- ذوالقدر، حسین و قاسم زاده عراقی (۱۳۹۲). بررسی انگیزه‌های کاربران در استفاده از رسانه‌های اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۲۰(۳)، ۳۵-۵۸.

- زنده‌بودی، فاطمه (۱۳۹۱). درآمدی بر شبکه‌های اجتماعی. نشریه کتاب ماه علوم اجتماعی. ویژه‌نامه شبکه‌های اجتماعی. شماره ۵۶، ۳۱-۳۲.
- شهابی، سیاوش (۱۳۸۹). ضرورت انقلاب و نقش شبکه‌های اجتماعی. پایگاه اینترنتی خودنوشت: www.khodnevis.org
- صادقیان، سیدجلال (۱۳۸۹). بررسی نقش کارکردی رسانه‌ها در امنیت ملی و عمومی. ۱۱۲(۱)، ۱۶۵-۱۸۹.
- عظیمی، حسین؛ آقاجانلو، نرگس و نجفی، فاطمه (۱۳۹۱). تأثیر رسانه‌های جمعی بر ایجاد امنیت، فصلنامه دانش انتظامی زنجان. ۱(۴)، ۱۱۷-۱۴۱.
- فرجیها، محمد (۱۳۸۵). بازتاب رسانه‌ای جرم. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۶(۲۲)، ۵۷-۸۶.
- قاسمی، محمد (۱۳۸۸). بررسی نقش رسانه‌ها در ایجاد همگرایی ملی و امنیت پایدار (با تأکید بر همگرایی مرزنشینان استان آذربایجان غربی). فصلنامه نظم و امنیت انتظامی. ۲(۳)، ۱۴۹-۱۷۸.
- قدرتی، حسین و دیگران (۱۳۸۸). احساس امنیت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و نهادهای نظم و قانون (مطالعه موردی شهر مشهد). فصلنامه انتظام اجتماعی. ۱(۴)، ۷-۲۶.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای. جلد یک. احد علیقلیان و افشین خاکباز (مترجمان). تهران: طرح نو.
- مسعودی، امیدعلی (۱۳۹۳). کتاب تحلیل محتوای وبلاگ‌های دینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نیری، هومن (۱۳۸۹). شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و مشارکت سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- هابرماس، ی (۱۳۸۴). نظریه کنش ارتباطی. کمال پولادی (مترجم). تهران: انتشارات روزنامه ایران.
- یاسمی نژاد، عرفان؛ آزادی، اکرم و امویی، محمدرضا (۱۳۹۰). فضای مجازی، امنیت اجتماعی، راهبردها و استراتژی‌ها. همایش ملی صنایع فرهنگی و نقش آن در توسعه پایدار.

- Castells, Manuel (2007). Communication, Power and Counter-power in the Network Society. International Journal of Communication, Vol. 1, 238-266.
- Eteokleous, N. (2012). Facebook- A social Networking Tool for Educational Purposes Developing Special Interest Groups. ICICTE 2012 Proceedings. From:<http://www.pewinternet.org/Reports/2011/Why-Americans-Use-Social-Media/Main-report.aspx>
- Filix, M., Jesus, C & Luis, G. (2005). Anonymity Effects in Computer-Mediated Communication in the Case of Minority Influence. Computers in Human Behavior. 23, 1660° 1674.
- Joinson, A. (2008). Looking at, Looking up or Keeping up with people? Motives and uses of Facebook. CHI 2008 Proceedings-Online Social Networks. Florence, Italy.
- Reed, T. V. (2005). The art of protest . United States: University Of Minnesota Press. Retrieved[12/5/2011]from: <http://ssc.sagepub.com>.
- Satcliffe, A. (2002). Association the reliability of heuristic evaluation for website attractiveness and usability . International conference on system sciences, 35 th
- Smith, A. (2011). Why Americans Use Social Media. From:<http://www.money.cnn.com/2012/10/04/technology/facebook-billion-users/index.html>.
- Tredinnick, L. (2006). Web 2. 0 and business: A pointer to the intranets of the future. Business Information Review. 23(4), 228° 234.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی